



رئیس قوه قضائیه:
اعتراف می‌کنم
تحولی ایجاد کرده‌ایم

صفحه ۲



روایت مسکو از مذاکرات وین
احتمال حصول توافق
بیشتر شده است

صفحه ۳

حاکمیت حق مردم است مردم سالاری

شنبه ۲۳ آذر ۱۴۰۰ - جمادی‌الاولی ۱۴۴۳ - ۱۴ دسامبر ۲۰۲۱ - سال بیستم - شماره ۵۰۳ - ۱۲ صفحه - ۵۰۰۰ تومان

افزایش سه برابری بودجه نهاد ریاست جمهوری در سال آینده

بار سفرهای استانی بر دوش بودجه ۱۴۰۱

صفحه ۲



تجمع صنفی فرهنگیان در شهرهای مختلف کشور برگزار شد

چرا امیدواری به «رتبه‌بندی معلمان» کم شده است؟

صفحه ۴

سر مقاله



محمد آخوندپور امیری

یکی از عمده مباحثی که امروزه در ساحت علم سیاست پیرامون آن سخن گفته می‌شود در خصوص نسبت میان «نخبگان سیاسی و جامعه» است. پرسش‌هایی از این دست که: مشارکت توده مردم در عرصه سیاست چه تاثیری در پیشبرد اهداف کلان یک کشور خواهد داشت؟ و یا طرح این پرسش که در فرایند انتخاب نخبگان سیاسی تا چه میزان می‌بایست عرصه مشارکت مردم را گسترده تلقی نمود؟ و دهها سوال دیگر را پیرامون نسبت نخبگان و جامعه می‌توان مطرح نمود. باتاسور، از جمله متفکران سیاسی است که تحقیقات گسترده‌ای را در خصوص جامعه نخبگانی، اندیشه‌های آنان و نسبت آنان با جامعه پیرامونی انجام داده است. او بیان می‌کند که «اشکار است که در جهان امروز که زیر سیطره پیشرفته‌ترین کشورهای سرمایه‌داری قرار دارد طبقات و مناسبات طبقاتی، نیرومندترین تاثیر را بر سرشت فرمانروایی سیاسی دارند. در نتیجه دیگر عملاً نظریه نخبگان بعنوان نظریه جامعه و مانعی که جایگزین نظریه طبقات یا انواع نظریه‌های مرسوم به «جنبش‌های اجتماعی نو» باشد مطرح نمی‌شود؛ و در حال حاضر اصلی‌ترین مباحث درباره نخبگان و نخبه‌گرایی عمدتاً حول نسبت آنها با دموکراسی دور می‌زند.» پاره تو از اندیشمندان مکتب نخبه‌گرایی و فردی که معتقد است سیاست، عرصه حضور و تاثیرگذاری نخبگان سیاسی است بیان می‌دارد: «طبقات موسوم به طبقات بالاتر معمولاً ثروتمندترین طبقات نیز هستند. این طبقات نماینده یک گروه نخبه، یک گروه اشراف سالار هستند.» اما این موسکا (از متفکرین نخبه‌گرایی کلاسیک) بود که نخستین کسی بود که بین «نخبگان» و «توده‌ها» تمایزی اصولی قائل شد و کوشید تا براین پایه دانش سیاسی جدیدی بنا نهد. موسکا و پاره تو هر دو به نخبگان در مفهوم

خبر

مدارس تهران و ۴ شهرستان دیگر دوباره غیر حضوری شد

معاون هماهنگی امور عمرانی استانداری تهران از تعطیلی مهدی کودک و پیش دبستانی‌ها و غیر حضوری شدن مدارس از امروز تا پنجشنبه خبر داد. به گزارش ایسنا، عابد ملکی در پایان جلسه کمیته اضطرار آلودگی هوای تهران که عصر دوشنبه برگزار شد، در تشریح مصوبات جلسه گفت: باتوجه به گزارش‌های هواشناسی و شاخص آلودگی هوا تصمیماتی در این جلسه اتخاذ شد که برای روزهای شنبه، چهارشنبه و پنجشنبه هفته جاری اجرایی خواهد شد. وی افزود: براین اساس تشدید کنترل دقیق تر خودروهای فاقد معاینه فنی، ممنوعیت تردد

نخبگان و جامعه

اعمال کنندگان مستقیم قدرت سیاسی یا آنان که نفوذ چشمگیری بر اعمال قدرت سیاسی دارند علاقه‌مند بودند. در عین حال آنان اذعان داشتند که «نخبگان حاکم» یا «طبقه سیاسی» خود از گروه‌های اجتماعی مجزایی تشکیل یافته است. اما متفکران نخبه‌گرایی در اشکال کلاسیک خود سعی نمودند فاصله خود را بشکلی محتاط گونه با اندیشه‌های دموکراسی حفظ نمایند. در واقع آنان در خصوص مشارکت گسترده توده مردم در عرصه سیاست دیدگاه چندان خوشبینانه‌ای از خود نشان ندادند. در واقع تضاد میان اندیشه نخبگان و اندیشه دموکراسی را می‌توان به دو شکل بیان نمود: نخست تأکیدی که نظریه‌های نخبه‌گرایی بر نابرابری استعدادها افراد دارند، با جریان اصلی اندیشه سیاسی دموکراتیک مبنی بر برابری بنیادین انسان‌ها منافات دارد؛ و دوم تصور یک اقلیت حکومت‌گر با نظریه دموکراتیک حکومت اکثریت در تضاد است. جیمز بورنهام از دیگر متفکران عرصه سیاست نیز معتقد است ما در حال گذار از یک نوع جامعه به نوعی دیگر هستیم: از جامعه سرمایه‌داری (یعنی جامعه‌ای که وجه مشخصه آن یک شیوه خاص تولید، استیلای صاحبان صنایع و بانکداران و نظام‌های اقتصادی یا ایدئولوژی‌های خاص است) به نوعی از جامعه که خود آن را «جامعه مدیریتی» می‌نامد. بورنهام دو گروه اصلی را در میان مدیران مشخص می‌سازد: الف) دانشمندان و متخصصان امور تکنولوژیک (ب) مدیران و هماهنگ‌سازان روند تولید. استدلال بورنهام این است که قدرت اقتصادی را که بیشتر در دست مالکان سرمایه‌دار صنایع بود، اینک مدیران به دست گرفته‌اند و بدان واسطه، توانایی شکل‌دهی به کل نظام اجتماعی را پیدا کرده‌اند. اندیشدندان دیگری همچون رابرت میخلز، کارل مانهایم و ریمن آرون می‌کوشند نشان دهند که اولاد در هر جامعه بزرگ و پیچیده، دموکراسی تنها می‌تواند مبتنی بر نمایندگی باشد و نه مستقیم، و ثانیاً نمایندگان، اقلیتی هستند که آشکارا قدرت سیاسی بیشتری از موکلان خود دارند؛ زیرا نفوذ موکلان صرفاً محدود است به قضاوت

یادداشت

کدام هدیه تناسب داشت؛ قالی قالیباغ یا کتاب اردوغان؟



مهرداد خدیو

انتشار تصاویر دیدار آقای محمد باقر قالیباغ آقای رجب طیب اردوغان که در آن رئیس مجلس ایران یک تابلو فرش نفیس به رئیس جمهوری ترکیه اهدا کرده و متقابلاً کتابی ساده از گفته‌های او با عنوان «گل وازه» را هدیه گرفته، واکنش‌ها و بحث‌هایی را در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی دامن زده است. برخی با مراجعه به تارنماهای فروش این نوع تابلو فرش مدعی قیمت ۲۷ میلیون و ۵۰۰ هزار تومانی آن شده‌اند (فروش دست‌باف دیوار کوب سی پرشیا مدل آیه) در حالی که قیمت کتاب اردوغان کمتر از ۷ یوروست. این نوشته برای قیاس ارزش این دو نیست. طبعاً هر که هر چه دوست دارد هدیه می‌دهد. یکی کم و دیگری زیاد. در زندگی ما شهروندان عادی هم الزاماً هم ارز آنچه اهدا می‌کنیم هدیه نمی‌گیریم که اساساً اگر چنین باشد دیگر هدیه نیست، فرض است ولو بعضی انتظار جبران و به این گفته باور داشته باشند، کاسه جایی رود که باز آید قدح! غرض این است که گفته شود داستان منحصر به آقای قالیباغ نیست و سیاست‌مدارانی در این سطح نباید به جنبه مادی توجه کنند بلکه اختصاصی یا خاص یا شخصی بودن مهم است. با این نگاه هدیه متناسب همان است که اردوغان داد. یک کتاب درباره خودش یا گفته‌های خودش و اهمیتی ندارد که ۷ یورو می‌ارزد یا ۷۰۰۰ یورو چون اگر اختصاصاً اهدا کرده باشد ارزش پیدا می‌کند. شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی به آنچه اهدا می‌کنند ارزش می‌دهند نه آن که قیمت هدیه مهم باشد؛ کم‌این که دیده‌ایم مهم ترین هدایایی که رهبری می‌دهد یا انگشتی خودشان است یا چیزی به قرآن‌هایی که آغاز را امضا می‌کنند. پوتین هم که به ایران آمد «مدلی از یک نسخه خطی قدیمی قرآن» اهدا کرد (که در موزه آرمنیاز در سن پترزبورگ نگهداری می‌شد) و قاعدتاً به عنوان یک مسیحی ارتدوکس یا کمونیست سابق نمی‌توانسته امضا کند. یا مشهور است که امام خمینی کالاهای عادی هدیه می‌داده و گاهی رادویی جیبی شخصی و چون منتسب می‌شده ارزش می‌گرفته است. شاید گفته شود این سنت رهبران است اما فردی در حد رئیس مجلس شورای اسلامی به

باشد به چشم نمی‌آید مگر آن که طلا باشد! با کتاب که غالباً میانه‌ای ندارند. کتاب هم هدیه بگیرند اول پشت آن را نگاه می‌کنند ببینند چند است. دوستی که در کار گل و گیاه است تعریف می‌کرد بازاری‌ها علاقه وافری به گل لایل دارند که درشت و خوش قد و بالاست ولی دختران جوان رز و مریم و نرگس را ترجیح می‌دهند. بازاری‌ها و سنتی‌ها دوست دارند حسابی به چشم بیاید. بر ما مردمان عادی خرده ای نیست ولی ذوق کار به دستان بعد این همه سال که برای‌شان هزینه شده کمی باید تربیت شده باشد و متفاوت عمل کنند. مختص فرهنگ غربی نیست. کشورهای ثروتمند عرب هم چنین می‌کنند. به یاد آوریم در فروردین ۱۳۷۷ عبدالله نوری وزیر کشور دولت اصلاحات در بازگشت از سفر مکه، چه هدیه‌ای از پادشاه عربستان را به خانه کرباسچی شهردار وقت تهران برد که به زندان افتاده بود؛ یک تکه از پسرده کعبه را که از ملک عبدالله هدیه گرفته بود. پس بحث بر سر این نیست که هدیه قالیباغ، ۲۷ میلیون می‌ارزیده یا ۱۷ میلیون یا ۷ میلیون ارزش مادی کتاب اردوغان ۷ یورو چون امضا شده کتاب قیمت می‌گیرد. این است که متناسب و دختران می‌دهد و مترجم سفارت می‌گوید: پیشوای آلمان می‌گویند ما را بخوابشید که مانند پادشاه ایران ثروت‌مند نیستیم! شاید برسید پس چه باید هدیه می‌داد؟ پاسخ می‌توان گفت مگر رئیس مجلس ایران با توجه به جایگاه تنزل یافته پارلمان، همتای رئیس جمهوری ترکیه است تا نیاز به هدیه دادن باشد؟ اما اگر باز فرض بر اهدا باشد کاش نسخه‌ای از مثنوی یا دیوان کبیر (شمس) اهدا می‌شد چرا که مولانا در قونیه مدفون است و گاه یادشان می‌رود مولانا به پارسی شعر می‌سروده است و اگر اصرار بر جنبه مذهبی بوده قرآنی که ارزش تاریخی آن جلب توجه کند نه طول و عرض تابلو تا مثل مراسم تودیع و معارفه در ایران عکس یادگاری بگیرند و اردوغان هم اخم کند!

منبع: عصر ایران

پایگاه خبری مردم سالاری آنلاین
www.mardomsalari.ir
روزنامه مردم سالاری
WWW.mardomsalari.ir/newspaper